

Original Article

Responsibility of International Companies in Cases of Violation of Human Rights Obligations

Amir Khajezadeh¹

1. Department of Law, Faculty of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

Email: Khajezadeh.amir@yahoo.com

Received: 7 Aug 2018 Accepted: 10 Jun 2020

Abstract

Background and Aim: The approach of human rights activists is focused on making the issues and points related to the observance of human rights or its violation the responsibility of international companies. Therefore, the purpose of this study is to investigate the responsibility of international companies in cases of violation of human rights obligations in societies.

Materials and Methods: The present research method has been prepared as a descriptive analytical method using library data by taking notes from legal texts.

Findings: International human rights law obliges international companies to act in accordance with certain rules or to refrain from certain actions in order to promote and protect the human rights and fundamental freedoms of individuals and groups. By becoming a party to international treaties, companies are committed to fulfilling the responsibilities and duties under which the human rights of individuals must be respected and protected by governments.

Conclusion: The results show that human rights violations by international companies can not be prevented. But there seems to be no requirement for companies to comply with human rights, and international action by the United Nations and the International Labor Organization has also confirmed that since companies are not yet principal subjects of international law, there can be no punishment or It is a requirement for them and the agreement of the countries is not easily possible and only through voluntary actions and incentive and awareness policies, companies can be encouraged to respect human rights.

Keywords: Responsibility; International Companies; Breach of Obligations; Human Rights

Please cite this article as: Khajezadeh A. Responsibility of International Companies in Cases of Violation of Human Rights Obligations. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 7-19.*

مسئولیت شرکتهای بین‌المللی در موارد نقض تعهدات حقوق بشر

امیر خواجه‌زاده^۱

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. Email: Khajehzadeh.amir@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: رویکرد فعالان حقوق بشر چنین متمرکز شده است که امور و نکات مربوط به رعایت حقوق بشر و یا نقض آن، مسئولیت شرکتهای بین‌المللی نیز گردد. بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی مسئولیت شرکتهای بین‌المللی در موارد نقض تعهدات حقوق بشر در جوامع است.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر به صورت تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری از متون حقوقی تهیه شده است.

یافته‌ها: قوانین بین‌المللی حقوق بشر، شرکتهای بین‌المللی را موظف می‌سازد تا بر اساس ضوابط مشخصی عمل کنند و یا از برخی اعمال مشخص خودداری ورزند تا حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی افراد و گروه‌ها، ترویج و حفاظت گردد. با عضو شدن در معاهدات بین‌المللی، شرکتهای متعهد به اجرای مسئولیت‌ها و وظایفی می‌گردند که مطابق آن، باید حقوق انسانی افراد مورد احترام قرار گیرد و دولت‌ها نیز از این حقوق حمایت نمایند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از نقض حقوق بشر توسط شرکتهای بین‌المللی نمی‌توان جلوگیری کرد، اما به نظر می‌رسد که هیچ الزامی برای شرکتهای به منظور رعایت حقوق بشر وجود ندارد. اقدامات بین‌المللی سازمان ملل و سازمان جهانی کار نیز بر این نکته صحنه گذارده است، از آنجایی که شرکتهای هنوز تابعان اصلی حقوق بین‌الملل نیستند، نمی‌توان مجازاتی یا الزامی برای آنان در نظر گرفت و توافق کشورها نیز به آسانی امکان‌پذیر نیست و فقط می‌توان از طریق اقدامات داوطلبانه و سیاست‌های تشویقی و آگاه‌سازی، شرکتهای را به رعایت حقوق بشر تشویق کرد.

واژگان کلیدی: مسئولیت؛ شرکتهای بین‌المللی؛ نقض تعهدات؛ حقوق بشر

مقدمه

در آستانه قرن ۲۰، «دولت» دیگر آن نهاد مقتدر و یکه‌تاز همه میدان‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ و حتی دین به شمار نمی‌رفت. سخن از «دولت مسؤول و پاسخگو» و حقوق فرد و جامعه و تکلیف دولت در برابر آحاد مردم و جامعه بود. در نیمه قرن ۲۰ که سازمان ملل متحد تشکیل گردید «احترام به حقوق بشر و وظیفه دولت‌ها به احترام و رعایت آن به صراحت در منشور ملل ذکر شد و همین امر از سیطره و شیوع مفهوم دولت مقتدر به نفع شهروندان می‌کاست و دولت‌ها را ملزم می‌کرد حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را محترم بشمارند. حوزه اقتدار و «حاکمیت مطلق» دولت روز به روز به آنچه اعمال حاکمیت نام گرفته بود، محدود می‌باشد و در بقیه کارها که دولت صرفاً مباشر انجام آن‌ها بود، یعنی اعمال تصدی دولت، همپای شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی خصوصی می‌ایستاد و حوزه حاکمیت مطلق آن محدود می‌شد. آهنگ رشد صنعتی و اقتصادی بسیار شتابان بود. شخص خصوصی نه تنها سکاندار روند رو به رشد اقتصاد (صنعت و تجارت) شده بود، بلکه بسیاری از کارهای دولت به عهده شرکت‌ها و مؤسسات دولتی با شخصیت حقوقی مستقل از دولت حاکم و حتی شرکت‌های خصوصی محول شده بود. حالا دیگر «شخص خصوصی» - شخص حقیقی و حقوقی - در عرصه روابط بین‌المللی جایی برای خود می‌طلبید. به دنبال افول قدرت‌های استعماری سنتی، نظام مبادلاتی جهان هم عوض شده بود و به جای دولت‌های استعمارگر، حالا شرکت‌های بزرگ و چندملیتی‌ها کار تبادل مواد خام از مستعمره به کشور متروپل و تبدیل آن به محصول صنعتی را بر عهده می‌گرفتند.» این تحول لوازم و پیامدهای حقوقی خود را داشت (۱).

اصلی‌ترین سند در مورد حقوق بشر را می‌توان اعلامیه ۱۹۴۸ حقوق بشر دانست. این اعلامیه جهانی حقوق بشر سبب شد «در سال ۱۹۶۶ دو میثاق بین‌المللی در مورد: ۱- حقوق مدنی سیاسی؛ ۲- حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) منعقد گردد. در همین راستا تلاش‌هایی نیز در خصوص این‌که چه حقوقی بیشترین ارتباط را با شرکت‌ها

دارند، صورت گرفته است.» «به هر صورت بعضی از انواع حقوق بشر کارکرد نزدیک و ارتباط بیشتری با مسأله شرکت‌ها دارد. با تعریف گفته‌شده این حقوق مطابقت کاملی با حقوق ذاتی بشر ندارند. در واقع معاهدات حقوق بشری، کشورها را متعهد کرده و بر مسأله روابط افراد با حکومت تأکید کرده است و به این ترتیب مفهوماً این مفاهیم قبول گشته‌اند» (۲).

حضور و فعالیت شرکت‌های بین‌المللی در عرصه اقتصاد بین‌المللی، واقعیتی مسلم و غیر قابل انکار است. هم دولت‌ها و هم جامعه بین‌المللی این حضور را پذیرفته‌اند و با درک این حقیقت که بخش زیادی از توسعه اقتصادی کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه به دست آن‌ها است، سعی کرده‌اند از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه و سایر اسناد بین‌المللی، تضمین‌های کافی برای فعالیت بین‌المللی شرکت‌های خصوصی، فراهم نمایند، گرچه تنظیم و تدوین ضوابط فعالیت آن‌ها و روابط حقوقی که با کشور میزبان برقرار می‌سازند، به آسانی آنچه در مورد روابط قراردادی حقوق خصوصی انجام می‌شود.»

مسئولیت شرکت‌ها در قبال رعایت موازین حقوق بشر، موضوعی است که مورد توجه خود شرکت‌ها و از سوی دیگر، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، مصرف‌کنندگان و جنبش‌های اجتماعی قرار گرفته است، به گونه‌ای که بسیاری از شرکت‌های بزرگ رعایت و احترام به حقوق بشر را جزء ارزش‌های و ضوابط اخلاقی کاری خود ذکر کرده‌اند (۳). این‌که شرکت‌ها باید موازین اخلاقی و انسانی را در انجام فعالیت‌های خود مورد احترام قرار دهند، یک مسأله جدید نیست، چون حمایت از حقوق کارگران یا حفاظت از محیط زیست همواره توسط حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفته و برای رعایت آن موازین و مقرراتی وضع شده است، اما داشتن یا نداشتن یک تکلیف حقوقی و قانونی در رعایت حقوق بشر برای شرکت‌ها، یک مسأله حقوقی جدید است. تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص ضرورت رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌های چندملیتی، تعهدات سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها در برابر نقض قاعده آمره و همچنین تعهدات دولت‌ها انجام شده است، اما پژوهشی درباره بررسی مسئولیت

شرکت‌های بین‌المللی در موارد نقض تعهدات حقوق بشر در جوامع صورت نگرفته است. این پژوهش به بررسی مسؤلیت شرکت‌ها در این زمینه می‌پردازد که با مسؤلیت دولت‌ها و یا سازمان‌ها متفاوت است، لذا انجام این تحقیق ضرورت می‌یابد. هدف از انجام این پژوهش بررسی مسؤلیت شرکت‌های بین‌المللی در موارد نقض تعهدات حقوق بشر در جوامع است.

پیشینه پژوهش

حسینی (۱۳۹۱ ش.) در پژوهشی به بررسی ضرورت رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌های چندملیتی پرداخته است. در سال‌های اخیر نگرانی بی‌سابقه‌ای در خصوص مسأله رابطه بین شرکت‌های چندملیتی و حقوق بشر به وجود آمده است. تعدادی از پرونده‌های مهم در خصوص تنانی و همدستی بین این شرکت‌ها و دولت میزبان در نقض فاحش حقوق بشر به ثبت رسیده که این مسأله توسط اشخاص و گروه‌ها از جمله گروه‌های غیر دولتی به رسانه‌ها کشیده شده است. محبعلی (۱۳۹۸ ش.) در مقاله‌ای به بررسی تعهدات سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها در برابر نقض قاعده آمره پرداخته است. امیدوار (۱۳۸۹ ش.) در مقاله رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌ها بیان کرده است که حضور و فعالیت شرکت‌های فراملی در عرصه اقتصاد بین‌المللی، واقعیتی مسلم و غیر قابل انکار است. هم دولت‌ها و هم جامعه بین‌المللی این حضور را پذیرفته‌اند و با درک این حقیقت که بخش زیادی از توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه به دست آن‌ها است، سعی کرده‌اند از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه و سایر اسناد بین‌المللی، تضمین‌های کافی برای فعالیت بین‌المللی شرکت‌های خصوصی، فراهم نمایند. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۵ ش.) در بررسی شرکت‌های بین‌المللی نفتی و مسؤلیت اجتماعی آن‌ها بیان کرده‌اند که امروزه بنگاه‌ها دیگر نمی‌توانند تنها به فکر حداکثرکردن سود خود باشند، چراکه آن‌ها غیر از مالکان و سهامدارانشان، ذی‌نفعان دیگری هم دارند که منافع آن‌ها را نیز باید در نظر بگیرند. مسؤلیت اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیری از دنیای کسب و کار شده است. در این میان، شرکت‌های چندملیتی

نفتی، از طرف جوامع و سازمان‌ها بیشتر تحت فشار هستند تا به مسؤلیت‌های فراقانونی خود توجه داشته باشند. عباسی و همکاران (۱۳۹۵ ش.) در مقاله مقررات حقوق بشر و مسؤلیت شرکت‌های چندملیتی بیان کرده‌اند که دولت‌ها متعهد به رعایت حقوق بشر هستند و شرکت‌های چندملیتی با ماهیت خصوصی‌ای که دارند، از مسؤلیت بین‌المللی فارغند.

بحث

شرکت‌ها، به ویژه شرکت‌های بین‌المللی و بزرگ در سال‌های اخیر، نگرانی‌های زیادی را در مورد رعایت حقوق بشر ایجاد کرده‌اند. «نقض قواعد حقوق بشری از سوی شرکت‌ها، در بیشتر موارد، توجه عمومی افراد، نهادهای غیر دولتی و ارگان‌های حکومتی را برمی‌انگیزد. به منظور جلوگیری از چنین مواردی لازم است تدابیر ویژه و قواعدی وضع و اتخاذ گردد. هدف اصلی «این قواعد باید این امر باشد که شرکت‌ها ملزم به رعایت مقررات بین‌المللی حقوق بشر گردند. نتیجه این بحث این است که با مفهوم جدید حقوق بشر، نه تنها کشورها، بلکه شرکت‌ها و آژانس‌هایی که تحت پوشش آن‌ها به فعالیت می‌پردازند، باید مسؤول و پاسخگوی اقدامات خود در زمینه رعایت حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی باشند» (۳).

همان‌گونه که گفتیم، مسؤلیت شرکت‌ها در برابر سایر ذی‌نفعان به طرق ذیل مورد سنجش قرار می‌گیرد. «رعایت و اجرای قواعد زیست‌محیطی، احترام به حقوق بشر، رعایت حقوق بشر، رعایت حقوق کارگران، پاسخگوبودن و شفاف سازی عملکرد، رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و مشتریان، مشارکت‌های اجتماعی و توجه به رفاه جامعه. تاکنون در زمینه الزام شرکت‌ها به رعایت حقوق بشر و رعایت حقوق جامعه عمدتاً به راه‌حل‌ها و قواعد انعطاف‌پذیر و نرم بسنده شده است و این‌که چنین راه‌حل‌ها و قواعدی ضمانت اجرایی برای دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد به وجود نمی‌آورد و شرکت‌ها با چنین نگاهی پاسخگو نیستند و در نهایت قابلیت اجرا و موفقیت این قوانین بسیار پایین است» (۴).

۱- مسئولیت

در اصطلاح، عبارت است از تعهد قانونی شخص به دفع ضرر دیگری که وی به وجود آورده است، خواه ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد (۳). «در معنای حقوقی و مدنی مسئولیت عبارتست از تکلیف قانونی شخص در عدم واردنمودن ضرر به دیگری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم. در معنای فقهی و شرعی نیز مسئولیت مترادف با عبارت ضمان به کار گرفته شده است و کسی را که مسئولیت بر ذمه و عهده او قرار می‌گیرد، مسؤول یا ضامن می‌نامند. بنابراین لزوم جبران ضررهای واردشده به یک شخص را مسئولیت مدنی گویند. این مسئولیت که اصولاً بر عهده فاعل زیان و بر مبنای تقصیر است، گاه به معنی عام و در جایی به کار می‌رود که شخصی در برابر دیگری به سبب قانون‌شکنی یا پیمان‌شکنی و خساراتی که به او وارد کرده است، پاسخگو قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در اصل مسئولیت مدنی ضمانت اجرای مقابله با قانون‌شکنی و تخلف از اجرای تعهد است که بر عهده فاعل زیان قرار می‌گیرد» (۵).

حقوقدانان ایرانی، مسئولیت مدنی را چنین تعریف نموده‌اند: «بر مبنای مسئولیت مدنی، رابطه دینی ویژه‌ای بین زیان‌دیده و مسؤول به وجود می‌آید؛ زیان‌دیده، طلبکار و مسؤول، بدهکار می‌شود و موضوع بدهی، جبران خسارت است که به طور معمول با دادن پول انجام می‌شود (۴). مسئولیت غیر قراردادی یا قهری که گاهی مسئولیت قانونی نیز خوانده می‌شود، وظیفه‌ای است که قانون در اثر انجام یا خودداری از حفظ دیوار یا حیوان بر عهده مالک قرار می‌گیرد و موضوع این وظیفه جبران خسارت زیان‌دیده است. لزوم جبران ضررهای واردشده به یک شخص را مسئولیت مدنی می‌گویند» (۶).

۲- مسئولیت شرکت‌های بین‌المللی

اقداماتی که به استناد مقررات بین‌المللی، غیر قانونی تلقی می‌شوند. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز از مسئولیت با همین مفهوم یاد کرده، در قضیه «فسفات مراکش» تأکید می‌کند: «هنگامی که دولتی اقدام خلافکارانه‌ای به موجب مقررات بین‌المللی را علیه دولتی دیگر مرتکب شود، مسئولیت بین‌المللی، بلافاصله بر روابط این دو دولت حاکم می‌شود. در

تعریف فوق، به منشأ به وجود آمدن مسئولیت، توجه شده است، لکن به تعریف آن نپرداخته‌اند» (۷).

با عنایت به تعریفی که در حقوق داخلی از مسئولیت شده است و با دقت در فصل دوم (مواد ۳۴ تا ۳۹) طرح فوق، می‌توان گفت: «مسئولیت بین‌المللی، تعهدی است ناشی از نقض یکی از تعهدات بین‌المللی توسط یک کشور که بر اساس آن، کشور مذکور باید شرایط و اوضاع و احوال را برای دولت قربانی به قبل از ارتکاب عمل خلافکارانه بین‌المللی برگرداند.» در سال‌های اخیر نگرانی بی‌سابقه‌ای در خصوص مسأله رابطه بین شرکت‌های بین‌المللی و حقوق بشر به وجود آمده است. تعدادی از پرونده‌های مهم «در خصوص تبانی و همدستی بین این شرکت‌ها و دولت میزبان در نقض فاحش حقوق بشر به ثبت رسیده که این مسأله توسط اشخاص و گروه‌ها از جمله گروه‌های غیر دولتی (NGOs) به رسانه‌ها کشیده شده است. از معروف‌ترین این پرونده‌ها، می‌توان به پرونده شرکت Shell در Ogonilan نیجریه، شرکت BP در کلمبیا و شرکت Unocal در میانمار (برمه) اشاره کرد، اگرچه به طور سنتی حمایت از حقوق بشر به عنوان وظیفه‌ای برای شرکت‌ها تلقی نمی‌شود و قوانین داخلی بسیاری از کشورها در تحمیل تکالیف و تعهدات حقوق بشری بر آن‌ها ناموفق بوده‌اند، با این حال در همان نگاه اول آشکار می‌گردد که مشکلی وجود دارد و آن این‌که شرکت‌های بین‌المللی هم می‌توانند حقوق بشر را نقض کنند، البته باید اذعان کرد که چنین نقض‌هایی جدید نیستند، کما این‌که مثلاً همدستی شرکت‌های بین‌المللی با فعالان تجاری کشور میزبان در نقض حقوق بشر را می‌توان در رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی ملاحظه کرد. حال سؤال این است که، در رابطه بین حقوق بشر و شرکت‌های بین‌المللی چه مسأله جدیدی به وجود آمده است؟ باید گفت امروزه این مفهوم سنتی که فقط دولت‌ها و عوامل آن‌ها را می‌توان مسؤول نقض حقوق بشر دانست، در نتیجه ظهور و افزایش قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شرکت‌های بین‌المللی مورد چالش جدی قرار گرفته است، ضمن این‌که این شرکت‌ها با بسیاری از دولت‌ها تعامل نزدیکی دارند و حتی در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها تأثیرگذارند. در اینجا

بین دو دسته از حقوقدانان اختلاف نظر به وجود آمده است. برخی از آنان معتقدند که امکان تسری و گسترش تعهدات و تکالیف حقوق بشری به این شرکت‌ها وجود ندارد و برخی دیگر به خلاف این نظر دارند» (۷).

۳- تعهدات حقوق بشری شرکت‌های بین‌المللی

در تحلیل‌های پیرامون نحوه عملکرد شرکت‌های بین‌المللی و تأثیرات آن‌ها بیشتر توجه و تمرکز بر نقش این شرکت‌ها در توسعه جهان سوم معطوف گشته است و بعد اقتصادی آن‌ها منتظر منتقدین و صاحب‌نظران بوده است. در صورتی که ماهیت عملکرد آن‌ها در نقض مستقیم یا غیر مستقیم حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه بیشتری می‌طلبد (۸).

مینا و اساس حقوق بشر، «کرامت انسانی است که در همه جا یکسان است. احترام به کرامت انسانی به معنای احترام به شخصیت انسانی و خواسته‌های وی در تمامی حوزه‌های زندگی بشری است. بر این اساس فرض بر این است که حقوق بشر اصولاً باید به طور یکسان و بدون هیچ‌گونه تمایزی از نظر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورها شناخته شود و مورد حمایت قرار گیرد. حقوق بشر به این علت که افراد بشر موجودات مشابه یکدیگر بوده و در حقیقت مقام و منزلت مساوی دارند، از نظر تئوری متعلق به کلیه انسان‌ها، صرف نظر از زمان و مکان زندگی آن‌هاست. امضاکنندگان منشور ملل متحد بر خود واجب دیدند که به کرامت و ارزش انسانی و حقوق مساوی زنان و مردان از ملت‌های کوچک و بزرگ در مقدمه اشاره کنند.» در مقدمه منشور ملل متحد آمده است: «ما مردم ملل متحد با تصمیم، به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و هم‌چنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ می‌پردازیم.» در روابط بین‌المللی همانند روابط اجتماعی، تعدی هر شخص به منافع حقوقی شخص دیگر جامعه بین‌المللی، موجب مسئولیت می‌گردد. مسئولیت بین‌المللی معمولاً به دولت به عنوان مهم‌ترین شخص حقوق بین‌الملل مربوط می‌شود، هرچند معمولاً نمی‌توان آن را از اشخاص حقوق بین‌الملل بعدی سازمان‌های بین‌المللی و در

برخی موارد افراد، به طور کامل جدا کرد. تعاریف مختلفی از مسئولیت بین‌المللی شده است که بعضاً مکمل یکدیگرند. برای مثال «برخی از نویسندگان، مسئولیت بین‌المللی را نتیجه نقض یک تعهد و الزام بین‌المللی می‌دانند. برخی دیگر نیز با توجه به این‌که اثر و هدف مسئولیت، جبران خسارت وارده به زبان دیده است، هرچند سخن از مسئولیت بین‌المللی به میان می‌آید، موضوع «جبران خسارت» را نیز مطرح می‌نمایند. از جمله این نویسندگان پروفیسور «بدوان» است که مسئولیت بین‌المللی را چنین تعریف می‌کند، مسئولیت بین‌المللی یک نهاد حقوقی است که به موجب آن دولتی که عمل خلاف بین‌المللی به او منتسب است، باید خسارت واردشده به دولت متضرر را طبق حقوق بین‌المللی جبران کند. نظیر تعاریف بالا با تغییرات عبارتی به وسیله بیشتر حقوقدانان و مؤلفان ارائه شده است که مسئولیت بین‌المللی بیشتر، رابطه دولت با دولت است، اگرچه در درستی این تعاریف تردیدی نیست، ولی به نظر این تعاریف دارای اشکال بزرگی هستند. به این معنا که ممکن است برای خواننده این فکر ایجاد گردد که مسئولیت بین‌المللی و آثار حقوقی ناشی از آن تنها در رابطه بین دو دولت امکان‌پذیر است، در حالی که حقیقت غیر از این است، زیرا در حقوق بین‌الملل جدید، تابعان دیگر حقوق بین‌الملل، مانند افراد یا سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌توانند مستقیماً در زمینه بین‌المللی مسئولیت پیدا کنند. همانطور که از عنوان این طرح برمی‌آید، تأکید و تمرکز آن بر مسئولیت بین‌المللی دولت است و با تأملی بر مواد این طرح، به عدم وجود ماده و مقررهایی در مورد مسئولیت بین‌المللی شرکت‌های چندملیتی پی می‌بریم، البته این به دلیل ماهیت خصوصی این شرکت‌هاست. در این طرح، پس از تشریح تفصیلی شرایط و آثار مسئولیت بین‌المللی دولت، در ماده ۵۷ به مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی پرداخته است و در پی آن، در آخرین ماده، یعنی ماده ۵۸ به مسئولیت اشخاص اشاره نموده است.» حال این پرسش ایجاد می‌شود که اشخاص «شامل شرکت‌های بین‌المللی نیز می‌گردد یا خیر؟

با بررسی ماده و توضیحات آن، درمی‌یابیم که «غرض از تدوین این ماده پرداختن به مسئولیت مأموران دولت که از

میزبان، بسیار پیچیده است. این مناسبات در واقع مقابله قدرت سیاسی با قدرت اقتصادی است. در این خصوص دو فرضیه وجود دارد. برای عده‌ای توافق کامل و مطلق بین این شرکت‌ها و حکومت کشور اصلی‌شان وجود دارد. به همین جهت فرانسوا پرو در استقلال ملت بیان می‌کند که شرکت‌های بین‌المللی متفق بدیهی و حتمی کشور خود می‌باشند. گرایش دیگر به سوی نزاع و اختلاف است تا به طرف توافق. روابط شرکت‌ها با کشور مادر یا مبدأ از تیرگی و ابهام و حتی تناقض مبری نیست. برخی از کشورها خواهان تشویق و رشد چنین شرکت‌هایی هستند، به خصوص در سال‌های اخیر که سیاست کشورهای اروپایی متمایل به تسهیل ادغام، جهت تشکیل گروه‌های نیرومند بین‌المللی بوده است که نقش جبرانی در مقابل شرکت‌های عظیم‌الجثه آمریکایی و ژاپنی ایفا کنند. به طور کلی کشورها می‌توانند به توسعه فعالیت شرکت‌های خود در خارج، مبادرت ورزیده و یا جریان‌های مبادلاتی ایجاد نموده و بازار جدید برای خود ایجاد کنند (۱۰).

اما در خصوص کیفیت روابط این شرکت‌ها با کشورهای میزبان باید اذعان داشت که «این مناسبات بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌تر شده است. کشور میزبان در مقابل یک ابهام و دوراهی قرارداد که باید به قسمی متوازن و سنجیده آن را حل نماید، از طرفی حضور این شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری کلان آن‌ها حداقل در کوتاه‌مدت اثر مثبتی بر اقتصاد این کشورها می‌گذارد. از سویی دیگر، تأثیرات منفی این شرکت‌ها در دراز مدت اعم از تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و حقوق بشری، این دولت‌ها را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد. در مواردی که دولت‌های میزبان قدرت چانه‌زنی ندارند، مبدل به برده و تابع شرکت چندملیتی خواهند شد، مثلاً در آفریقای جنوبی، کارگران قانوناً از تعقیب و اقامه دعوی علیه کارفرمایان این شرکت‌های چندملیتی منع شده‌اند» (۱۱).

معمولاً هر قراردادی که منعقد می‌شود، طرفین قرارداد برای انجام موضوع قرارداد و در واقع رسیدن به هدف نهایی، وظایف و تکالیفی را عهده‌دار می‌شوند که در زبان حقوقی به وظایف و تکالیف مذکور تعهدات قراردادی گفته می‌شود، لذا

طرف دولت اقدام می‌کنند، می‌گردد و این‌که این اشخاص فاقد مسئولیت بین‌المللی هستند، در نتیجه این ماده، دربرگیرنده شرکت‌ها (که اشخاص حقوقی خصوصی بین‌المللی هستند) نیست. از منظری دیگر باید به این سؤال پاسخ داد که اگر این شرکت‌ها، تعهدات بین‌المللی را نقض کنند آیا اعمال آنان قابل انتساب به دولت است یا خیر؟ ابتدا باید یادآور شویم، حقوق بین‌المللی نیز مانند حقوق داخلی، جدایی کلی شخصیت حقوقی شرکت را از دولت به رسمیت شناخته و بر این اساس شرکت را فقط به این دلیل که دولت آن‌ها را تأسیس کرده، نمی‌توان به دولت منتسب نمود، هرچند شرکت‌های بین‌المللی توسط دولت‌ها تأسیس نگردیده‌اند، پس به طریق اولی اعمالشان منتسب به دولت‌ها نمی‌شود، مگر این‌که به عنوان یکی از اجزای دولت و در قالب ماده ۵ طرح نهایی مربوط به مسئولیت دولت‌ها عمل کنند. برای مثال اگر یک شرکت نفتی اقدام به تصرف و تحسب اموال بیگانگان در کشور نماید و هیچ دلیلی مبنی بر وجود منافع دولتی و با نظارت و کنترل دولت بر این اقدام وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن را به دولت منتسب کرد، ولی چنانچه مدارکی دال بر اقدام شرکت به دستور آن عمل، موجود باشد و یا دولت به وضوح در چنین اقداماتی منفعی داشته باشد و یا مدرکی مبنی بر نظارت و کنترل دولت بر اعمال شرکت موجود باشد، عمل مذکور قابل به انتساب به دولت خواهد بود. تعهد به حمایت از افراد در برابر دخالت در حقوق مدنی و سیاسی‌شان توسط اشخاص خصوصی دیگر گروه‌ها و نهادهاست. شرکت‌ها نیز متعهد به این تعهد می‌باشند. کمیته حقوق بشر، حتی داشتن حریم شخصی و زندگی فردی را به رسمیت شناخته و حمایت از افراد در برابر دخالت‌ها و مزاحمت‌ها و تجاوز، خواه ناشی از قدرت دولت، خواه افراد حقیقی و حقوقی را حق آن‌ها می‌داند» (۹).

همچنین طبق نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل «دولت‌ها باید جهت تضمین فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی و جامعه مدنی آن‌ها منطبق با حق بهره‌بردن از غذای کافی است، قدم‌های مثبتی بردارند. روابط بین شرکت‌های چندملیتی و دولت‌های ملی کشور مادر و

«عدم انجام تعهدات مذکور آثار و تبعات حقوقی مختلفی دارد که موجب می‌شود هر یک از طرفین قرارداد برای احقاق حق خود مبادرت به تقدیم دادخواست حقوقی نماید که تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نیز شروع دعوی حقوقی خواهد بود. تعهدات ممکن است برای یکی از طرفین زیاد و برای طرف دیگر کم‌تر باشد که در نهایت هر یک از طرفین باید نسبت به انجام این تعهدات اقدام نماید» (۱۲).

پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی شهروندان از جمله ارزش‌های بنیادی نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم است. نظام‌های سیاسی دموکراتیک، به آزادی‌های اساسی، کرامت، صلح، امنیت و... خود را پایبند می‌دانند. در واقع «روابط پیچیده و نیازهای درهم‌تنیده جوامع بشری، پایبندی دولت‌ها به ارزش‌های حقوق بشری و پرهیز از نقض مقررات بین‌المللی را ضروری ساخته است. برای نشان دادن پایبندی دولت‌ها به قواعد و اصول بین‌المللی لازم است که اولاً هنجارها، اصول، مبانی، نهادهای مرتبط و موانعی که سبب خدشه‌دار شدن این تعهدات می‌گردد، مورد بررسی بیشتری قرار گیرد، متأسفانه نقض حقوق بشر یک اصل، به جای این‌که یک استثنا مطرح باشد، امروزه به صورت یک قاعده جایگزین گشته است، آنچه نسبت به نقض تعهدات حقوق بشر در اذهان خطور می‌کند، نسبت اعمال نقض به دولت‌ها بیشتر مطرح می‌گردد، اما این بدان معنی نمی‌باشد که سازمان‌های غیر دولتی، شرکت‌ها، شرکت‌های بین‌المللی، افراد و اشخاص مرتکب نقض تعهدات حقوق بشری نمی‌گردند، بلکه مطالبی نیز به نقش این‌ها نیز یادآوری و مورد توجه قرار گرفته است» (۱۳).

موضوع تجارت پس از فرآیند سریع جهانی‌شدن و ظهور بازیگران غیر دولتی در عرصه بین‌المللی مانند شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و تجاری و انجام فعالیت‌های تجاری فراملیتی و نقش فزاینده آن‌ها در سطح بین‌جهانی، ملی و حتی محلی، وارد مفاهیم حقوق بشری گردید. دستاوردهای رو به رشد و اثرات شرکت‌های تجاری، مباحثی را بر سر نقش و مسؤلیت این شرکت‌ها از منظر حقوق بشر مطرح نمود (۱۴).

اقدامات شرکت‌ها و خروجی‌های آن‌ها، «بر گستره‌ای از موضوعات حقوق بشری تأثیرگذار است. فعالیت شرکت‌های معدنی و تخریب زمین‌های کشاورزی و محیط زیست، ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی بر اثر تخلیه مواد آلوده و سمی، تخریب جاده‌ها و تغییر مسیر رودخانه‌ها جهت ایجاد نیروگاه و شرکت‌های نفتی و پتروشیمی، استثمار کارگران توسط کارفرمایان، احتکار و دستکاری در بازار و تغییر قیمت‌ها، اثرات توسعه و عدم توسعه اقتصادی کشورها بر حقوق بشر، نحوه ارائه خدمات مالی بانک‌ها از جمله سودهای بانکی و یا اعطای وام و تأمین مالی شرکت‌هایی که نقض حقوق بشر می‌کنند، همکاری شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی با دولت‌ها در نقض حقوق افراد، مانند فروش اسلحه توسط شرکت‌های اسلحه‌سازی و... از جمله مواردی هستند که بر اساس گزارش نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل بر حقوقی مانند حق حیات، بهداشت، فقرزدایی، غذا، محیط زیست، کار، عدم تبعیض، آزادی اجتماعات، برابری کار، کار در محیطی ایمن، امنیت جسمی، رهایی از شکنجه و دیگر رفتارهای تحقیرآمیز، خانواده، دسترسی آزاد به اطلاعات، زندگی سیاسی، حریم شخصی، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آموزش، سلامت روحی و جسمی، ازدواج، محاکمه عادلانه، حق تعیین سرنوشت و حق آزادی رفت و آمد اثر می‌گذارد» (۱۵).

از زمانی که اولین بار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، قطعنامه ۲۰۰۵/۶۹ را در سال ۲۰۰۵ تحت عنوان «حقوق بشر و شرکت‌ها و سایر نهادهای فراملیتی» تصویب نمود، قطعنامه‌ها و ساز و کارهای مهم دیگری در این خصوص در شورای حقوق بشر جهت رسیدگی به موضوع نقض حقوق بشر در فعالیت‌های تجاری شرکت‌های فراملیتی به تصویب رسیده و یا ایجاد شده است. از آن جمله می‌توان به «قطعنامه ۱۷/۴ جولای ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر، اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل، گروه کاری تجارت و حقوق بشر شورای حقوق بشر، و مجمع جهانی تجارت و حقوق بشر که هر ساله جلسات ۲ الی ۳ روزه را با نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد در این دولتی و غیر دولتی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد در این خصوص برگزار می‌نماید» (۱۶).

سازگاری دارد. بنابراین در مجموع می‌توان گفت فعالیت‌های فراسرزمینی اشخاص حقوقی که اقتدار حکومتی به آن‌ها اختیار داده، قابل انتساب به دولت می‌باشد. اگر اقدامات چنین شرکتی نقض حقوق بین‌الملل بشر باشد، دولت دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشد، حتی در جایی که شرکت از اختیار داده شده تجاوز نماید»، لذا مسئولیت نقض قوانین حقوق بشر توسط شرکت‌های بین‌المللی متوجه دولت می‌گردد (۱۹).

۲-۳- قابلیت انتساب عمل شرکت بین‌المللی در

نقش قوانین حقوق بشری به دولت مطبوع: در جایی که شرکتی اعمال اقتدار حکومتی را اجرا نمی‌کند یا اثبات این امر امکان‌پذیر نیست، در صورتی اقداماتش قابل انتساب به دولت می‌باشد که به دستور، یا تحت هدایت و کنترل آن دولت عمل کند. «رفتار شرکت‌های بین‌المللی در این موارد تنها در صورتی به دولت قابل انتساب است که اقدام یا رفتار مورد بحث مستقیماً بخشی از دستور آن دولت یا کنترل آن بوده است. در مواردی که یک شرکت تحت کنترل دولت متبوع یا اقامتگاه خود عمل می‌کند و دستورات خاصی را نادیده گرفته است، اقداماتش همچنان قابل انتساب به آن دولت خواهند بود. این‌که آیا در حقیقت رفتار به دولت قابل انتساب می‌باشد یا نه، به میزان کنترل دولت بر فعالیت‌های فراسرزمینی شرکت بستگی دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری معیاری را برای کنترل نسبت به عاملان غیر دولتی که به صورت فراسرزمینی عمل می‌کنند، در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا احراز کرده است. در این پرونده، آمریکا شورشیان (یا نیروهای کنتررا) را از نظر مالی تأمین می‌کرد، به نیروهای آن آموزش می‌داد و آن‌ها را تجهیز می‌نمود. این نیروها، گروه‌های مسلح مخالف با دولت نیکاراگوئه بودند. دیوان تصمیم گرفت ایالات متحده آمریکا را به خاطر اعمال خاصی از قبیل تأمین مالی، آموزش و امثال آن‌ها مسؤول بداند. بنابراین برخی از اقدامات نیروهای کنتررا، قابل انتساب به آمریکا می‌باشد، اما ادله کافی برای احراز این‌که آمریکا میزانی از کنترل را در همه موارد اعمال می‌کرد تا بتوان گفت نیروهای کنتررا از طرف آمریکا عمل می‌کردند و بتوان گفت آمریکا ارتکاب اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل بشر

به دنبال تلاش‌ها و رایزنی‌های گسترده تعدادی از کشورها که عمدتاً کشورهای در حال توسعه و جهان سوم بودند، «شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ تصمیم به ایجاد یک گروه بین دولتی جهت تهیه پیش‌نویس متن یک سند الزام‌آور بین‌المللی (کنوانسیون) به منظور حمایت از قربانیان و افراد آسیب‌پذیر در برابر نقض حقوق آن‌ها توسط شرکت‌های تجاری فراملیتی نمود. پس از برگزاری سه جلسه گروه بین دولتی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، سرانجام گروه کاری تجارت و حقوق بشر به عنوان متولی تهیه پیش‌نویس متن کنوانسیون اقدام به انتشار پیش‌نویس اولیه این کنوانسیون در ژوئیه ۲۰۱۸ نمود. این سند درای ۱۵ ماده از جمله وظایف دولت‌ها، حقوق قربانیان، پیشگیری و جبران خسارت افراد آسیب‌دیده می‌باشد. قرار است این پیش‌نویس کماکان با حضور دولت‌ها در جلسات گروه بین دولتی مورد بحث و بررسی و اصلاحات احتمالی، جهت نهایی‌نمودن و امضای کشورها قرار گیرد» (۱۷).

۱-۳- شرکت‌های بین‌المللی مسؤول اعمال اقتدار

حکومتی: اصل بر این است که بر اساس حقوق بین‌الملل عام، رفتار یک شرکت قابل انتساب به دولت نیست، حتی وقتی که شرکت به طور کلی تحت تملک دولت است یا دولت در آن نفع کنترل‌کننده دارد. در عین حال این قاعده وجود داشته است که اقدامات موجودیت‌های خصوصی قابل انتساب به دولت هستند، در جایی که آن‌ها کارکردهای عمومی یا حکومتی را اعمال می‌نمایند. بر اساس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل: «رفتار شخص یا موجودیتی که رکن دولت نیست، اما قانون آن دولت به آن اختیار داده است تا اعمال اقتدار حکومتی را اجرا نماید، عمل آن شرکت به عنوان عمل دولت به موجب حقوق بین‌الملل تلقی خواهد شد، مشروط بر آنکه آن شخص یا موجودیت در آن موقعیت خاص در آن سمت اقدام می‌نماید» (۱۸).

بنابراین برای آنکه بتوان عمل یا رفتار شرکت را به دولت منتسب کرد «رفتار یا عمل آن شرکت باید مربوط به اقدام حکومتی باشد و نه اقدام شخصی یا تجاری. این رویکرد با تحولات صورت‌گرفته در خصوص مصونیت دولت‌ها نیز

را آن‌گونه که نیکاراگوئه ادعا می‌کرد، دستور داده یا هدایت کرده است، وجود نداشت. در جایی که شرکتی به دستور دولت محل ثبت شرکت عمل می‌کند، لازم نیست که این اقدامات، اعمال حکومتی باشند. همچنین می‌توان به اقدامات شرکت‌های خصوصی در زندان ابوغریب یا جاهای دیگر اشاره کرد. در مجموع با استفاده روزافزون از شرکت‌ها توسط دولت‌ها در فعالیت‌های نظامی فراسرزمینی و همچنین در تجارت و حوزه‌های دیگر، این امکان وجود دارد که اعمال این شرکت‌ها قابل انتساب به دولت باشد. در جایی که چنین اعمالی نقض حقوق بین‌الملل بشر باشند، دولت مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت، حتی در مواردی که شرکت دستورات را نقض می‌کند (۲۰).

۳-۳- راهکارهای شرکت‌های بین‌المللی و دولت‌های

میزبان در موارد نقض قوانین حقوق بشر: اصولاً جز در موارد استثنایی، «حقوق بین‌الملل تنها دولت‌ها را به عنوان دارندگان حق و تکلیف می‌پذیرد. این امر بدین معنا نیست که عاملان و کنشگران خصوصی همانند شرکت‌های بین‌المللی، می‌توانند حقوق بشر را نقض نمایند بی‌آنکه پاسخگو باشند. در حقیقت می‌توان گفت که عاملان و کنشگران خصوصی، مثل شرکت‌های بین‌المللی، به صورت مستقیم برای نقض حقوق بشر مسؤوّل نمی‌باشند. مسؤوّلیت در قبال عدم ارائه حمایت مقتضی در نقض حقوق بشر به وسیله عاملان خصوصی همواره متوجه دولت‌هاست. به عبارت دقیق‌تر، حقوق بین‌الملل، دولت را مسؤوّل می‌داند و ناقض اصلی و مستقیم حقوق بشر، یعنی شرکت بین‌المللی را مبرا می‌سازد. بنابراین تکلیف اولیه را، به موجب حقوق بین‌الملل، برای تضمین این‌که شرکت‌های بین‌المللی حقوق بشر را نقض نمی‌کنند، متوجه دولتی می‌سازد که در آن شرکت‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند و نقض حقوق بشر صورت می‌گیرد. این دولت، همان دولت میزبان است» (۲۲).

دولت میزبان باید از رهگذر قوانین داخلی و سازوکارهای اجرای قهری قوانین خود، از حقوق انسانی افراد در مقابل اقدامات شرکت‌های بین‌المللی حمایت نماید. به عبارت واضح‌تر، «دولت باید در مقابل نقض حقوق بشر توسط هر

عنصری از اجتماع، اعم از خصوصی یا عمومی، حمایت نماید. با وجود این، به خاطر قدرت زیاد اقتصادی شرکت‌های بین‌المللی و امکان جا به جایی بین‌المللی این شرکت‌ها و همچنین وابستگی بسیاری از کشورها به سرمایه‌گذاری مستقیم بین‌المللی، جای شگفتی نیست اگر دولت‌های میزبان، به ویژه کشورهای در حال توسعه، گاهی اقدام رسمی و مؤثر را در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های بین‌المللی اتخاذ نمی‌نمایند، حتی اگر دولتی بخواهد اقدام مقتضی را اتخاذ نماید، شرکت‌های بین‌المللی می‌توانند با جا به جایی سرمایه خود به کشور دیگری نسبت به اقدامات دولت میزبان واکنش نشان دهند، حتی قبل از این‌که دولت میزبان قوانین ملی خود در حمایت از حقوق بشر را نسبت به این شرکت‌ها به اجرا گذارد، شرکت‌های مزبور تهدید به ترک آن کشور می‌نمایند و در نتیجه کشور میزبان با خطر از دست‌دادن سرمایه‌گذاری خارجی، مشاغل و فناوری و دانش رو به رو می‌شود. بنابراین امکان برقراری تعادل بین فعالیت شرکت‌های بین‌المللی و رعایت حقوق بشر توسط آن‌ها در دولت میزبان تا حدود زیادی سخت است، در نتیجه به خاطر این عدم توازن نسبی قدرت و وابستگی کشورهای در حال توسعه به حضور شرکت‌های بین‌المللی، نمی‌توان صرفاً به تأثیر مقررات حقوق داخلی کشور میزبان راجع به حقوق بشر استناد کرد. بنابراین باید به دنبال روش دیگری برای حمایت از حقوق بشر در مقابل اقدام متخلفانه شرکت‌های بین‌المللی بود (۱۸).

شرکت‌های بین‌المللی در کنار مزایای فراوانی که برای اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته دارند، عملکردشان پیامدهای منفی نیز به بار می‌آورد. اینجاست که بحث تخلف و نقض حقوق و متعاقب آن، مسؤوّلیت و جبران خسارت مطرح می‌گردد دولت‌ها متعهد به احترام و تضمین حقوق بشر هستند و این تعهد به وسیله حقوق بشر بین‌المللی ایجاد و نهادینه گردیده است. این تعهد در قوانین مسؤوّلیت بین‌الملل تدوین شده گروه حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شده است. در مجموع باید دو نوع مسؤوّلیت برای شرکت‌ها قائل شد: ۱- مسؤوّلیت مستقیم؛ ۲- مسؤوّلیت غیر مستقیم، چنانچه شرکت‌ها مستقیماً و بدون دخالت دولت مادر و میزبان دست

جایگاه رفیعی در حقوق نوپای بین‌المللی برخوردار است که در ماده ۳۸ اساس‌نامه بین‌المللی دادگستری از آن یاد شده است. این منبع به عنوان منبعی الزام‌آور در حقوق بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای دارد. عرف و اصول کلی حقوقی و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل از سایر منابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. تمرکز ما در این مبحث بر منبع جدید و متفاوتی است که حتی هنوز در باب این‌که آیا خصوصیت منبع بودن در حقوق بین‌الملل را دارد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد و آن، حقوق نرم و قواعد نیافته است که در برابر حقوق لازم‌الاجرا مطرح می‌گردد. برخی نویسندگان، اصولاً منکر حقوق نرم و قواعد نیافته هستند. به زعم آن‌ها، حقوق یا الزام‌آور است یا اصولاً حقوق نیست. با وجود این، قواعد قابل اجرا در روابط اقتصادی بین‌المللی در بسیاری موارد در قالب عباراتی ملایم و غیر اجباری تنظیم می‌شوند و اکثراً به صورت اعلامیه «اعلامیه اصولی»، «طرح ساختاری» و حتی «منشور» نامیده می‌شوند. همانطور که بیان شد، «یکی از مهم‌ترین منابع قواعد نیافته پیرامون عملکرد شرکت‌های بین‌المللی رهنمود «OECD» است که کنترل رعایت رهنمودهای آن به کمیته ویژه مؤسسات سرمایه‌گذاری و شرکت‌های بین‌المللی این سازمان، متشکل از نمایندگان دولت‌های عضو آن واگذار شده است و در آن، نمایندگان کمیته مشورتی اتحادیه تجاری و کمیته مشورتی تجارت و صنعت و نیز نمایندگان شرکت‌های ذی‌ربط حضور دارند. برخلاف نظری که طبق آن ادعا می‌شود، این کمیته در خصوص رفتار شرکت‌ها به نتیجه‌ای نخواهد رسید، کمیته در این مورد موفقیت‌هایی داشته است، هرچند پذیرش داوطلبانه این رهنمودها از سوی شرکت‌های بین‌المللی به تنهایی نمی‌تواند به ایجاد حقوق بین‌المللی عرفی منجر شود. این رهنمودها برای این‌که الزام‌آور گردند نیازمند قانونگذاری داخلی دولت‌ها هستند. دولت‌ها کم‌کم به جنبش تدوین کد رفتاری بین‌المللی پیوستند. در اواسط دهه ۱۹۷۰، دولت‌های صنعتی از طریق OECD و کشورهای در حال توسعه از طریق کمیسیون سازمان ملل در مورد شرکت‌های بین‌المللی شروع به توجه نشان‌دادن به این کدهای بین‌المللی کردند، اما تعارضات به مرور آشکار گردید و آن اجماع

به تخلف و نقض حقوق بشر در کشورهای میزبان بزنند، بحث مسئولیت مستقیم مطرح می‌گردد که به دلیل عدم پوشش اسناد و معاهدات مربوط به مسئولیت، علی‌رغم دخالت مستقیم خود شرکت در نقض حقوق، پاسخگویی و جبران خسارت ناشی از نقض در هاله ابهام باقی‌مانده، از طرفی در صورت قائل‌شدن مسئولیت برای شرکت‌ها بحث چگونگی جبران خسارت و مجازات مطرح می‌گردد. این‌که چه مجازاتی برای شرکت به عنوان شخصیت حقوقی می‌توان در نظر گرفت که البته پرداخت غرامت از سایر طرق قابل دسترس‌تر به نظر می‌آید.» شرکت‌ها را در حال حاضر و با این سیستم حقوقی بین‌المللی موجود نمی‌توان مستقیماً مسؤول دانست و دولت‌های مادر این شرکت‌ها را نیز در صورت اثبات همکاری و دخالت مستقیم، می‌توان مسؤول انگاشت و علیه او طرح دعوی کرد (۲۳).

نتیجه‌گیری

ترتیبات حقوق بشری بین‌المللی برای مسؤول قلمداد کردن شرکت‌ها پیش‌بینی و طراحی نگشته‌اند. «مسئلاً این بدان معنا نیست که شرکت‌ها از تعهد به احترام به استانداردهای حقوق بشری معافاند، بلکه رویکردهای ملی و داخلی می‌تواند شرکت‌ها را برای چنین نقض‌های مسؤول بداند و خلأ بین‌المللی در این خصوص را پر کند. به عنوان مثال در قانون داخلی آمریکا ابتکار عملی در این خصوص صورت گرفته است و آن، قانون مسئولیت مدنی شرکت‌های بین‌المللی برای نقض حقوق بشر، طبق قانون دعاوی مسئولیت مدنی بیگانه» است که به جرأت می‌توان آن را تنها روش مؤثر داخلی برای جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر این شرکت‌ها دانست، گرچه استفاده از این قبیل ترتیبات ملی مبتنی بر نوعی صلاحیت جهانی هستند، اما تا حدودی متأثر از اقتضات سیاسی و فرهنگی و قضایی هستند.»

حقوق بین‌الملل دارای صنایع سنتی است که «در خلال زمان از اهمیت آن‌ها کاسته نشده و کماکان به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع حقوق بین‌الملل، شناخته می‌شوند. مهم‌ترین منبع، معاهدات بین‌المللی است که از

بین‌المللی مورد نیاز برای تدوین کدی متحدالشکل و بین‌المللی و عام حاصل نگردید، چراکه رهنمود OECD منطقه‌ای است و شامل اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی می‌شود و جنبه عام‌الشمول و بین‌المللی ندارد. برخی از حقوق بنیادین و اصلی بشری، مستقیماً شرکت‌ها را نیز خطاب قرار می‌دهد. از مهم‌ترین حقوق بشری در محیط کار این شرکت‌ها اصول بنیادین حقوق کار شامل، مساعدت و بهداشت کار، آزادی اجتماعات، عدم تبعیض، ممنوعیت کار اجباری و کار کودکان و حق داشتن مسکن و تحصیل‌کردن است. استاندارد عمومی و مشترک برای دسترسی همه افراد و همه ملیت‌ها وجود دارد و هر شخصی و هر ارگان جامعه‌ای باید برای آموزش و ارتقای تحصیلات به منظور احترام به حقوق و آزادی‌های بشری با اتخاذ ترتیبات مترقی ملی و بین‌المللی کوشش کند تا حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و رعایت گردد. ماده ۲ کنوانسیون OECD در مورد مبارزه با رشوه بیان می‌دارد که به هر طرف باید چنین ترتیبانی را مطابق با اصول قانونی خویش، به منظور تحمیل مسؤلیت به اشخاص حقوقی به خاطر پرداخت رشوه، در نظر بگیرند. همچنین کنوانسیون بین‌المللی مسؤلیت مدنی ناشی از ایجاد آلودگی نفتی و کنوانسیون مسؤلیت مدنی ناشی از ضرر و زیان فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست، اشخاص حقوقی را مسؤول شناخته است.»

با بررسی انجام‌شده پیرامون موضوع تحقیق مشخص گردید که «امکان تسری و گسترش تعهدات حقوق بشری به شرکت‌های بین‌المللی وجود دارد و حتی چنین امری لازم و ضروری است. باید گفت دلیل این‌که چرا نقض حقوق بشر، توسط این شرکت‌ها بدون مجازات باقی می‌ماند، بسیار ساده است، چون از نظر سنتی حقوق بین‌الملل دولت‌ها را مخاطب خود قرار می‌دهد و آن‌ها را مسؤول می‌داند، حتی زمانی که حقوق بین‌الملل به طور استثنایی تعهداتی را بر اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی خصوصی به طور مستقیم تحمیل می‌کند، مسؤولیت شرکت‌ها وابسته به آیین رسیدگی خاصی خواهد بود که توسط دولت‌ها وضع شده است، چراکه مکانیزم‌های کافی در نظم حقوقی بین‌المللی برای تحمیل

چنین تعهداتی بر این شرکت‌ها وجود ندارد، البته کشورها علاوه بر این‌که خود مسؤول رعایت حقوق بشر هستند، باید این حقوق را از نقض و تجاوز اشخاص خصوصی که بر آن‌ها کنترل دارند نیز حفظ کنند. می‌توان گفت تعهد به حمایت از حقوق بشر نه‌تنها بر عهده دولت میزبان (Host State) است، بلکه دولت مبدأ (Home State) نیز چنین تعهدی دارد، چون شرکت بین‌المللی تابعیت او را داراست و این دولت می‌تواند بر این شرکت کنترلی مؤثر اعمال کند. در پایان باید گفت اگرچه شناخت مسؤولیت مستقیم نقض حقوق بشر برای این شرکت‌ها سابقه‌ای ندارد، ولی حداقل باید برای آن‌ها مسؤولیت غیر مستقیم نقض حقوق بشر را به رسمیت بشناسیم و بدین ترتیب از نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها جلوگیری کرده و هزینه آن را بالا ببریم، اما به نظر می‌رسد که هیچ الزامی برای شرکت‌ها به منظور رعایت حقوق بشر وجود ندارد.

اقدامات بین‌المللی سازمان ملل و سازمان جهانی کار نیز بر این نکته صحت گذارده است، از آنجایی که شرکت‌ها هنوز تابعان اصلی حقوق بین‌الملل نیستند، نمی‌توان مجازاتی یا الزامی برای آنان در نظر گرفت و توافق کشورها نیز به آسانی امکان‌پذیر نیست و فقط می‌توان از طریق اقدامات داوطلبانه و سیاست‌های تشویقی و آگاه‌سازی، شرکت‌ها را به رعایت حقوق بشر تشویق کرد. با وجود این مطلب باید گفت که امروزه بیشتر راه‌کارهایی که برای مسؤول‌شناختن تابعان غیر دولتی مورد اجرا و اعمال قرار می‌گیرد، هنوز در حال شکل‌گیری هستند.» در نتیجه باید اذعان نمود که مسؤولیت شرکت‌ها در مقابل نقض قواعد حقوق بشر هنوز هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در این پژوهش به بررسی مسؤولیت شرکت‌های بین‌المللی در موارد نقض تعهدات حقوق بشر پرداخته شده است که در طی انجام این تحقیق به دلیل عدم شفافیت قوانین در تشریح صحیح وظایف و مسؤولیت‌های مشخص میان شرکت‌های بین‌المللی و دولت‌های مطبوع آن‌ها، همچنین عدم دسترسی محقق به منابع کافی در این زمینه محقق با محدودیت‌هایی برای انجام تحقیق مواجه بوده است.

References

1. Salimi S. The criminal phenomenon and criminal responsibility in international law and criminal law of Iran. Tehran: Khayyam Publications; 1997.
2. Molaie A. Human Rights and National Sovereignty. *Political-Economic Information* 2000; 1(155-156): 124-131.
3. Parvin KH. The basis and source of the international human rights system and the Islamic human rights system. Tehran: Khorsandi Publications; 2014.
4. Katozian N. Civil Law of Non-Contractual Obligations: Coercive Guarantee. Tehran: University of Tehran Press; 2006. Ch.5.
5. Qasemzadeh SM. Obligations and Civil Liability without a Contract. 4th ed. Tehran: Mizan Publishing; 2008.
6. Parvin KH. Parliamentary Guide to Human Rights. High Commissioner for Human Rights of the Inter-Parliamentary Union. Tehran: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; 2011.
7. Sharifian J. The Internationalization of Human Rights. *Foreign Policy Quarterly* 2001; 15(3): 60-87.
8. Delbrook J. International Support for Human Rights and the Sovereignty of Governments. In Mumtaz J, Sharifi H. Human Rights in the Light of International Developments. Translated and Edited by Sharifi Tarazkoochi H. Tehran: Dadgostar Publishing; 1998.
9. Karami J. UN Security Council and Humanitarian Intervention. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Institute; 1996.
10. Mehrpour H. International Human Rights System. Tehran: Information Publications; 1998.
11. Danesh S. Constitutional Law of Afghanistan. Kabul: Ibn Sina University Press; 2010.
12. Aghaei SD. The Role and Position of the UN Security Council in the New World Order. Tehran: Peyk Farhang Publications; 1996.
13. Ziaei Bigdeli MR. Public International Law. Tehran: Ganj-e Danesh; 2012. Ch.42.
14. Tabatabai Motameni M. Administrative Law. Tehran: Samat Publications; 1998. Ch.4.
15. Forouinia H. Internationalization of Human Rights and Transformation, quoting the philosophy of Hedayatullah. *Journal of Islamic Human Rights Studies* 2011; 1(1): 21-37.
16. Shayegan F, Taremsari M. Strengthening International Cooperation in the Field of Human Rights. Tehran: Publications of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; 2003.
17. Zakerian M. Human Rights in the New Millennium. Tehran: Publications of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; 2002.
18. Hashemi SM. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Mizan; 2005.
19. Filsafi H. The Position of Humanity in Contemporary International Law. *Journal of Legal Research, Shahid Beheshti University Law School Publications* 1996; 1(18): 211-268.
20. Yaghoub Zadeh E, Rouhi MA. To commit murder in the hypnosis in Iran's criminal law. *International Journal of Humanities and Cultural Studies* 2016; 11(2): 57-72.
21. Hassan S. Khalilieh, Admiralty and Maritime Laws in the Mediterranean Sea. Boston: Brill Leiden; 2006.
22. Shavell S. Foundations of economic analysis of law. Cambridge: Harvard University Press; 2004.
23. Morgan J. Recasting vicarious liability. *The Cambridge Law Journal* 2012; 71(3): 615-650.